

کلیات الگوی زندگانی حضرت زینب علیها السلام

<?xml encoding="UTF-8">

مقدمه

شناسایی و تحلیل منزلت زنان نمونه ی صدر اسلام؛ از جمله حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام در سال های بعد از انقلاب به صورت های مختلف، با هدف الگو سازی انجام گرفته که حاصل آن عمدتاً از دو شکل خارج نیست:

1. «ارائه ی الگوی زن مطلوب» یا به عبارتی دیگر، تشریح روش زندگی حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام از کودکی تا نوجوانی و جوانی، با طبقه بندی های انتزاعی؛ مانند زندگی فردی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی... و توصیه به زنان جوان در تلاش برای تاسی جستن به این بانوی بزرگوار در زندگی. ویژگی ها و خصوصیات این شکل از الگو سازی عبارتند از:

الف: توجه به رفتار حضرت در عمل، بدون ملاحظه ی ارتباط بین رفتار و عکس العمل های مختلف؛

ب: عدم ملاحظه ی حالت های روحی، انگیزه، حساسیت و خصوصیات ذهنی مؤثر و مقدم بر رفتار؛

پ: عدم توجه به شرایط زمانی موجود و ضرورت پیشنهاد نمونه ی رفتاری با ملاحظه ی شرایط زمانی و مکانی، برای تغییر در حالت های روحی، ذهنی و رفتاری و ملاحظه ی نسبت بین آن ها.

2. «شناسایی مقاطع مختلف زندگی آنان» شکل دیگر برخورد با خصوصیات زنان نمونه ی صدر اسلام، شناسایی مقاطع مختلف زندگی آنان و انتخاب برخی خصوصیات ویژه از عمل کرد آنان، متناسب با نیازهای تولید شده در جامعه ی فعلی می باشد.

مشخصات این شکل از الگو سازی نیز عبارتند از:

الف: پذیرش نیازهای تولید شده توسط نظام غیر دینی و تلاش در تطبیق دین با آن نیازها؛

ب: تعبیر و تفسیر به رای بعضی خصوصیات رفتاری ائمه ی معصومین، به ویژه بانوان مکرم صدر اسلام علیهم السلام؛

پ: جدا دیدن زندگی فردی و اجتماعی، و پذیرش زندگی حضرت زهرا علیها السلام برای زندگی فردی و همراهی با افراد غیر متدین در امور اجتماعی.

دیدگاه های فوق، اگر چه هر دو، پذیرش دین و تولی به ولایت معصومین را دارا هستند، لکن عدم ملاحظه ی شرایط زمانی و مکانی زن در جهان و در جامعه اسلامی (در دیدگاه اول) یا اصل قرار دادن «شرایط» و تنظیم مدل و تطبیق قواعد اسلامی و خصوصیات زندگی ائمه معصومین علیها السلام؛ (در دیدگاه دوم) نتوانسته اند آن گونه که باید در معرفی بزرگان دینی، به ویژه در الگوسازی برای زنان مسلمان و سایر زنان جهان موفق باشند.

3. دیدگاه سوم، زنان صدر اسلام را به عنوان الگوی عملی برای جامعه ی موجود، مطالعه و بررسی می نماید. توجه به کلیه ی ابعاد و خصوصیات رفتاری و حاکمیت یک هدف شامل بر کلیه ی حالات، ذهنیات و رفتارها، از ضروری ترین مبانی این نگرش می باشد.

نمونه هایی از امتیازات نگرش سوم که بعداً توضیح بیشتر آن ارائه می گردد عبارتند از:

الف: در نظر گرفتن نقش کلیه ی ابعاد زندگی حضرت زهرا علیها السلام یا حضرت زینب علیها السلام که محور

اصلی آن توجه به جهت ولایتی بوده و در هیچ زمانی از زندگی آن ها محو نشده است. ب: ملاحظه ی روش معصومین علیهم السلام که ریشه ی آن در تکوین و در تاریخ بوده و جریان ولایت آنان بر جامعه امتداد همان ولایت تاریخی است. پ: ارائه ی تعریف جدید و توسعه یافته از ولایت و ضرورت تاثیر عبادات فردی و اجتماعی در تغییر الگوی تولید، توزیع و مصرف در جامعه.

معرفی مفاهیم جدید در ارائه ی الگوی مطلوب

علاقه ی مردم به ولایت الهی و ائمه ی معصومین از دیرباز وجود داشته و به انحاء گوناگون، این علاقه را ابراز داشته اند. ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تعریف جدیدی از مفاهیم دینی در جهان مطرح شده که حتی عبادت و پرستش نیز با تعریف تکاملی، در شکل اقامه ی نظام الهی و توسعه ی قدرت خدا در زمین از سطح فردی درآمده و در سطح جهان مطرح گردید. مفاهیمی چون ایثار، شهادت، تولی به ولایت، از جمله مفاهیمی هستند که علاوه بر بعد «پرستش» و «تعبد» با شکل جدید و همراه با شخصیت هایی که مفاهیم به آن ها شناخته می شود در دنیا مطرح شده و محور قرار گرفته است.

مدل شناسایی شخصیت تاریخی حضرت زینب علیها السلام

برای شناخت صحیح و کامل زندگی حضرت زهرا، یا حضرت زینب علیها السلام نیاز به یک مدل با شاخصه های متناسبی می باشد که بتواند به طور متناسب، کلیه ی ابعاد زندگی این شخصیت ها را ترسیم و تحلیل نماید و از نسبت دادن به این بزرگواران به شکل تخمینی یا با برداشت شخصی و بدون نتیجه برای تغییر وضعیت جامعه، پیش گیری نماید.

زندگی حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام به عنوان کامل ترین اسوه، از آن جهت الگو است که ایشان در تمامی زندگی از ولایت پیروی و حمایت کردند. زمانی که جنگ تهاجمی اسلام علیه کفر واقع می شد ایشان به عنوان بهترین پرستار ایفای وظیفه می نمودند. وقتی جنگ حالت تدافعی پیدا می کرد، ایشان خود را سپر ولی خود حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می نمودند، تا جایی که حتی با وجود حضور حضرت علی علیه السلام در خانه، حضرت زهرا علیها السلام پشت در آمدند (البته با اذن حضرت علی) و تا آخرین رمق، از مقام ولایت زمان خود دفاع نمودند و تمام حیات گران قدر حضرت زهرا علیها السلام صرف حمایت از ولایت گردید. این گونه موضع گیری برای احقاق حق باید در دستگاه توسعه ی نفوذ اسلام در برابر کفر بررسی شود و خطبه های حضرت زهرا علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام ارزیابی و اثر تاریخی آن ملاحظه گردد که معصومین علیهم السلام در تمامی موضع گیری های خویش، سرپرستی و توسعه ی تاریخ را بر عهده داشتند.

در این بخش، بعضی از مفاهیمی که در ساختن یک مدل کاربردی برای شناسایی شخصیت حضرت زینب علیها السلام وجود دارد و قابل تعمیم به سایر معصومین علیهم السلام نیز می باشد، اجمالاً بیان می گردد:

عوامل مؤثر برای تحلیل و برنامه

زندگی حضرت زینب علیها السلام منحصر به یک سری صفات و خصوصیات مطلق و ثابت نیست، اگر چه جهت واحد و هدف شاملی بر کلیه ی حرکات، رفتار و روحیات حضرت حاکم است. عواملی که می تواند برای شناسایی شخصیت حضرت محور قرار گیرد، شامل «عوامل درون زا» ، «عوامل برون زا» ، و «سطح موضع گیری نسبت به نیازها» است.

عوامل درون زا

«بی نیازی و استغنا» در عالی ترین سطح، موجب پیدایش صفت «شرافت» (ضد دنائت) در حضرت شده که با بی نیازی در سطوح پایین تر (که آن هم درجه ی متناسبی از شرافت را ایجاد می کند) تفاوت دارد. عامل بعدی «انتخاب هدف برتر» و متعالی در مقابل ارضای نیازهای شخصی و فردی است که در سطوح مختلف و به تناسب ظرفیت در اشخاص وجود دارد، ولی برای حضرت زینب علیها السلام در بالاترین سطح مطرح است. صفت بعدی، «مقاومت» و ایستادگی در برابر مشکلات تا درجه ی به ذلت کشاندن دشمن است که در قضیه ی کربلا، جلوه ی کامل آن مشاهده می شود. وجود هر سه عامل (بی نیازی، هدف برتر، و مقاومت در برابر مشکلات) مجموعه ی عوامل درون زا را تشکیل می دهد.

ملاحظه ی رفتار و عمل یک شخصیت تاریخی؛ مانند حضرت زینب علیها السلام معرف عالی ترین درجه از «بی نیازی» ، یا به عبارتی، خود صفت «بی نیازی» است. «استقامت» آن بزرگوار در برابر مرارت ها هم تا مرحله ی جان است و کلیه ی رفتار و کردار وی حول محور برتری جویی آرمان اوست، به این جهت در عین این که شدیدترین مقاومت و برخورد را در موضع گیری با دشمن دارد، در همان وضعیت، در برابر درخواست یک کودک چنان با عطف و رحمت رفتار می نماید که در طول تاریخ نظیر آن دیده نمی شود. وجود این عوامل در عالی ترین سطح، بیانگر حرکت حضرت زینب علیها السلام در جریان عاشورا است و چارچوب یک مدل شناخت رفتاری را برای سایر زنان نمونه شکل می دهد.

عوامل برون زا

شناخت سه شاخصه ی درونی از میان صفات رفتاری برای هر موضوع و تعیین سطح آن صفت در شخص، هنوز برای معرفی یک مدل کافی نیست، بلکه شرایط جامعه و تعامل آن با عوامل درونی، می تواند مدل شناخت را کامل تر نماید:

- شرایط سیاسی جامعه؛
- شرایط فرهنگی جامعه؛
- شرایط اقتصادی جامعه.

در این صورت با ملاحظه ی رابطه ی متغیرهای درونی و بیرونی، فعالیت های محوری حضرت زینب علیها السلام هر چه بیشتر قابل تحلیل می گردد.

شرایط حضرت از نظر سیاسی، درگیری با حکومت بنی امیه بوده و از نظر فرهنگی، پیدایش نژاد گرایی و به لحاظ اقتصادی، حاکمیت مطلق نژاد گرایی است که به مراتب ظالمانه تر از استبداد مطلق است. لذا حضرت با وضعیتی

مواجهه شده اند که نه تنها شرافت در هیچ مرتبه ای از آن وجود ندارد، بلکه دنائت هم در جامعه با پذیرش عمومی مواجه شده و به عبارتی ظلم و جور (ستم و پذیرش ستم) با هم توأم شده است که بدترین وضعیت برای شرایط اجتماعی است.

محور ارتباط و موضع گیری حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب در چنین شرایط اجتماعی، با حوزه های مختلفی ارتباط دارد، که در این میان عمدتاً سه دسته ارتباط را می توان نام برد:

- ارتباط با جامعه ی اسرا؛

- ارتباط با جامعه ی عمومی؛

- ارتباط با نظام حاکم.

در بخش اول، یعنی ارتباط با اسرا در قضیه ی عاشورا حضرت زینب علیها السلام در کمال امنیت سیاسی برخورد کرده و «ایثار» و از خود گذشتگی را در بالاترین مرتبه ی خود، نشان می دهد. به عنوان مثال وقتی کودکان اسیر مورد ضرب و شتم قرار می گیرند، حضرت خود را سپر بچه ها کرده و شاید چندین بار، هر روز در مقابل کسانی که اقدام به اهانت، یا بدرفتاری با کودکان اهل بیت علیهم السلام می کردند ایستادگی نموده و از موضع قدرت (نه موضع نرمش و خضوع) با آنان مقابله می کرد.

در برقراری ارتباط با عموم، حضرت زینب علیها السلام مرتباً تداوم ولایت؛ یعنی وجود مبارک حضرت سجاد علیه السلام را یادآوری می نمود و اصول ارزشی را به مردم گوش زد می کرد.

در مقابل نظام حاکم، حضرت به شکل های مختلف، حضور تاریخی و برتری حضور خود در تاریخ را اعلام می دارند. تذکر مکرر این مطلب که «هر کاری بکنید نمی توانید یاد ما را از بین ببرید» دلیل بر تداوم تاریخی این حضور است. پس از ایجاد زمینه ی تحریک در مردم، برخورد حضرت در مقابل نظام حاکم، ایستادن در مقابل قدرت حاکم، آن هم از موضع برتر و تحقیر قدرت استکباری آن می باشد.

در نتیجه می توان ملاحظه کرد که برخورد حضرت با مردم، با قدرت حاکم و با اسرا به گونه ای بوده است که حاصل آن کشیده شدن ملت به قیام می باشد. اگر چه حضرت سید الشهدا علیه السلام پرچم دار و رهبر قیام نظامی است، اما رهبری قیام سیاسی با حضرت زینب علیها السلام است.

در کل متغیرهای درونی و بیرونی و موضع گیری که ذکر شد، جهت حاکم بر رفتار و حالات حضرت زینب علیها السلام نشان اعلام برتری تاریخی حضرت سید الشهدا علیه السلام می باشد. در بخش فرهنگی به حاکمی که می خواهد استبداد مطلق ایجاد کند، اثبات می کند که دچار تشنگی و ناهنجاری فرهنگی است و اعلام می نماید که یزید همان دعوت شده ی به دست پدر و برادر وی است و اسلام را از آنان گرفته و نهایتاً با مقابله ی با یزید مردم را به قضاوت می کشاند.

با شاخص قرار دادن عالی ترین سطوح این صفات که در حضرت زینب علیها السلام به عنوان الگو برای جامعه ی زنان مشاهده می شود، می توان کلیات مدل شناسایی برای ارزیابی وضع موجود زنان و سیر به طرف مطلوب را به دست آورد. بر آن مبنا شاخصه ی زن مطلوب با ابعاد گسترده تر و در سطوح متفاوت رفتاری در جامعه برای زنان به دست می آید. هر یک از شاخص های به دست آمده در سطح کامل و متعالی آن، در حضرت زینب علیها السلام جلوه گر می شود، ولی سطوح نازل تر بروز آن صفات هم جهت و هم هدف با حضرت، در سایر اقشار،

انگیزه ی مطالعه و بررسی و تکمیل مدل می شود تا بر آن اساس با لحاظ نمودن شرایط بیرونی، خصوصیات درونی افراد، و گروه های زنان و سطوح نیاز آنان، الگوهای مناسب را شناسایی کرد و تخصیص داد.

نتیجه

آن چه مهم است و باید در الگوسازی رعایت گردد انسجام، هماهنگی و ارتباط بین متغیرها با خصوصیات فردی (روحي، ذهني، رفتاري) است. به علاوه شرایط اجتماعی اگر چه نباید «اصل» قرار گیرد، ولی به نسبتی که در صفات فردی اثر می گذارد و مانع جریان بعضی رفتارها یا بالعکس عامل جریان رفتارهای متفاوتی در جامعه می شود، باید در تنظیم برنامه مورد نظر قرار گیرد.

شخصیت های تاریخی اسلام و در راس آن ها ائمه ی معصومین علیهم السلام و حضرت زینب علیها السلام تنها به انجام مناسک فردی قانع نبودند و حتی «اقامه» ی مناسک برای آن ها هدف غایی نبود، بلکه «اشاعه» ی دین و گسترش و توسعه ی اسلام و کلمه ی توحید، بالاترین هدف و آرمان برای آنان بود. توجه به این نکته و چگونگی موضع گیری زنان در سطح «اشاعه» به پیروی از جریان عاشورا و حضرت زینب علیها السلام به جای موضع گیری فردی و در سطح خرد باید محور برنامه ی الگوسازی قرار گیرد.